

**A study of Newly-attributed Verses to Rudaki Samarghandi in Halimi's Dictionary
(Sharh Bahr al-Gharraib)**

Zahra Nasirishiraz *

Assistant Professor of Persian Language and Literature, faculty of literature and humanities, Shahid Chamran University of ahvaz, Iran, zahra.nasirishiraz@yahoo.com

Nasrallah Emami,

Professor of Persian Language and Literature, faculty of literature and humanities, Shahid Chamran University of ahvaz, Iran, nasemami@yahoo.com

Sajjad Dehghan

MA of Persian Language and Literature, faculty of literature and humanities, Shahid Chamran University of ahvaz, Iran, sajjad-dehghan@yahoo.com

Abstract

In the vast field of Persian literature, prominent figures such as Mirzayev, Braginsky and Saeed Nafisi, before the other scholars, outshone others in research on the poems of Rudaki, the father of Persian poetry. It was the invaluable efforts made by these magnanimous researchers in collecting Rudaki's poetries that paved the way for further investigations. Considering some of Rudaki's verses that are exemplified in dictionaries and the fact that some of these dictionaries have remained unnoticed by researchers and also taking into account the existence of new verses, various written forms, and attribution of some of his verses to other poets and vice versa, in this research we study one such dictionary under the title of Sharh Bahr al-Gharraib or Loqat Halimi. The writers have found a more complete text than the one applied by Nafisi through two manuscripts of this dictionary. In this research, the attribution of some verses to this poet has been studied with presentation of several findings.

Keywords: Dictionaries, Loqat Halimi, Rudaki, New Verses, Attributions

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره چهارم (پیاپی ۶۰)، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱- ۲۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

بررسی ابیات تازه و منسوب به رودکی سمرقندی در فرهنگ لغت حلیمی (شرح بحر الغرائب)

زهرا نصیری شیراز* - نصرالله امامی** - سجاد دهقان***

چکیده

در میدان گسترده ادبیات فارسی، بزرگانی مانند میرزایف و براگینسکی و سعید نفیسی، پیش از سایر پژوهشگران، درباره اشعار رودکی (پدر شعر پارسی) پژوهش کردند. آنان با تأمل‌های شایسته خود در جمع‌آوری اشعار رودکی، زمینه را برای پژوهش‌های دیگر درباره شعر این شاعر فراهم کردند. باتوجه‌به نقل بسیاری از اشعار رودکی در فرهنگ‌های لغت و دسترسی نداشتن این بزرگان به برخی از این فرهنگ‌ها، همچنین وجود ابیات نو، ضبط‌های متفاوت و انتساب‌های برخی ابیات رودکی به شاعران دیگر و برعکس، یکی از این فرهنگ‌های لغت در این پژوهش بررسی می‌شود. این اثر، فرهنگ شرح بحر الغرائب یا لغت حلیمی است. نگارندگان با استفاده از دو نسخه خطی این فرهنگ، به متن کامل‌تری از آنچه علامه نفیسی استفاده کرده است، دست یافته‌اند. در این پژوهش با نقل برخی از این شواهد، سه بیت تازه منسوب به رودکی معرفی خواهد شد و باتکیه‌بر فرهنگ نامبرده، درباره انتساب برخی از ابیات به این شاعر، در تصحیح‌های مختلف از دیوان او، بحث می‌شود.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ‌های لغت، لغت حلیمی، رودکی، ابیات نو، انتساب‌ها

مقدمه

استاد شاعران ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی، از نخستین شاعران پارسی‌زبان در این سرزمین است که به باور برخی از تذکره‌نویسان شعر او گاه به بیش از یک میلیون و سیصد هزار بیت برآورد شده است. حوادث و جهل و افراطی‌گری، همواره سه عامل بسیار خطرناک در حذف دیوان شاعران ادب پارسی بوده است؛ چنانکه دیوان بسیاری از

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران (نویسنده مسؤول) zahra.nasirishiraz@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران nasemami@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران sajjad-dehghan@yahoo.com

این شاعران در اثر این عوامل ویرانگر از بین رفته است. منجیک ترمذی، شهید بلخی، بوشکور بلخی، کسای و... تنها برخی از ۲۱۵ شاعری هستند که در کتاب *شاعران بی دیوان* از اشعار آنان نام برده شده است و دیوانی از آنان موجود نیست.

دیوان رودکی یکی از متقدم‌ترین و مهم‌ترین دیوان‌هایی است که دست‌خوش مصیبت‌هایی شد که بر خراسان بزرگ گذشت؛ به گونه‌ای که از دیوان سبتیر و اشعار پرشمار او، تنها قطعات و ابیات اندکی برجای مانده است؛ همین مقدار را نیز مدیون نویسندگان و کاتبان و شاعرانی هستیم که در طول تاریخ، بیت یا ابیات او را در آثار خود نقل کرده‌اند. نفیسی پس از براگینسکی و میرزایف از نخستین پژوهشگرانی است که در ایران توفیق یافت با کاوش در متون کهن، دیوانی از رودکی فراهم آورد. او برای گردآوری اشعار به‌جای‌مانده از دیوان رودکی از ۹۳ منبع بهره برد و توانست تعداد ۱۰۴۷ بیت از اشعار او را از حجاب متون بیرون آورد. هنوز بعد از چند دهه از چاپ دیوان رودکی به کوشش ایشان و سایرین، پژوهشگران گاهی اشعاری را از بطن متون خطی بیرون می‌آورند و آنها را اندک‌اندک به دیوان سبتیر او می‌افزایند.

متناسب با گذشته باشکوه فرهنگی و ادبی و تنوع واژه‌ها در زبان فارسی و با توجه به گذشت پانزده قرن از آن در ایران، فرهنگ‌های لغت متعددی در سده‌های مختلف، برای این کلمات شکل گرفته که شمار بسیاری از آنها از اشعار زبان‌آوران سرزمین خراسان تأثیر پذیرفته است. این شواهد افزون بر اینکه ما را در رسانیدن به مفهوم دقیق کلمات ارائه شده در فرهنگ‌ها یاری می‌کند، موجب محفوظ ماندن برخی از اشعار نخستین سخنوران این مرز و بوم می‌شود که بیشتر دیوان‌های آنان از بین رفته است. پژوهش در این فرهنگ‌ها برای بازیابی اشعار این بزرگان، دشوار و زمان‌بر است؛ زیرا در طول زمان کاتبان به شمار واژه‌ها و شواهد برخی از این فرهنگ‌ها، مانند لغت فرس اسدی، افزوده‌اند؛ همچنین برخی از ابیات دست‌خوش تغییر و دگرگونی شده است؛ بنابراین باید همه نسخه‌های خطی بازمانده با دقت بیشتر و وسواسی دوچندان بررسی شود. در برخی فرهنگ‌ها نیز به سبب تحریرهای چندگانه‌ای که مؤلفان آنها بر اثر خود می‌نگاشتند - مانند مجمع الفرس سروری که بنابر گفته دبیرسیاکی سه تحریر مختلف، در سه دوره را شامل می‌شود (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۳) - باید به همه دست‌نویس‌های موجود مراجعه شود و یا تصحیح علمی - انتقادی از این فرهنگ‌ها ارائه گردد تا پژوهشگران برای بازیابی اشعار یا ضبط آن، از شعری یا لطیفه‌ای غافل نمانند. فرهنگ لغتی که در این پژوهش بررسی می‌شود، نمونه‌ای بارز از این نوع فرهنگ‌هاست که مؤلف از آن، دو یا چند تحریر ارائه داده است.

پیشینه و شیوه پژوهش

تاکنون مقالات متعددی با موضوع اشعار نویافته رودکی نوشته و چاپ شده است. در گستره متون فارسی و در بطن نسخه‌های خطی گاه‌گاه بیتی یا ابیاتی کشف می‌شود که یا بر سروده‌های استاد شاعران می‌افزاید، یا باب خوانشی تازه از بیتی را می‌گشاید، یا انتساب بیت یا ابیاتی به او را تقویت می‌کند و یا سرانجام به رد انتساب برخی ابیات به شاعر می‌انجامد. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

علی اصغر قهرمانی مقبل در مقاله‌ای به تصحیح شش بیت از رودکی برپایه نسخه‌های خطی معیار اشعار پرداخته است (قهرمانی مقبل، ۱۳۸۸: ۱). عارف نوشاهی در مقاله‌ای با عنوان «اشعار نویافته رودکی سمرقندی براساس دو متن کهن فارسی» با استفاده از متن دو کتاب *ارشاد* از عبدالله بن محمد قلانسی نسفی و *حرم‌نامه* ابی‌الحسن اوزجندی، هر دو متعلق به قرن پنجم هجری، نه بیت از اشعار رودکی را شناسایی می‌کند (نوشاهی، ۱۳۸۹: ۳۰). محسن شریفی صحنی در

مقاله‌ای با عنوان «بررسی برخی مجموعه‌های شعری رودکی و دو بیت تازه منسوب به او»، ابتدا مقاله مسعود قاسمی را نقد می‌کند که در آن از قول علیم اشرف‌خان و به نقل از جُنْگِی نگهداری شده در کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد، ده بیت نوشناخته از رودکی را ذکر کرده است؛ حال آنکه این ابیات یا متعلق به قطران تبریزی است و یا پیشتر به مجموعه اشعار رودکی وارد شده است. نقد مجموعه اشعار رودکی به تصحیح جعفر شعار، نقد دیوان اشعار رودکی به تصحیح نصرالله امامی، نقد ترجمه مغلوط شاه‌میرزا از کتاب قادر رستم که به خط سیریلیک نوشته شده است، نقد مقاله «اشعار تازه رودکی» علی اشرف صادقی و نقد مقاله وروژیکینیا با عنوان «باز یافته‌ای اشعار رودکی در سفینه صائب»، بخش‌هایی دیگر از این مقاله است. نویسنده در پایان مقاله دو بیت نویافته رودکی را از متنی متعلق به قرن نهم (اثر محمود بن محمد قندزی) در بلاغت ذکر می‌کند (شریفی صحتی، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۵۶). مجید منصوری در مقاله «درباره برخی ابیات منتسب به رودکی سمرقندی» انتساب بیتی را به رودکی رد می‌کند؛ این بیت در فرهنگ جهانگیری شاهد معنی «همانا و هرگز» برای واژه «آرنگ» آمده و در اصل بیت دوم رباعی‌ای از قطران تبریزی است (منصوری، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۷۲)؛ محمود مدبری در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تجدیدنظر در اشعار منسوب به رودکی» تعدادی از قطعات منتسب به رودکی را طبقه‌بندی و نیز منابع را بررسی می‌کند؛ همچنین ضرورت دقت بیشتر و بازشناسی اشعار واقعی شاعر و تصحیح تازه‌ای از شعرهای بازمانده او را مطرح کرده است (مدبری، ۱۳۸۷: ۱۹۹-۲۱۰).

گفتنی است تاکنون پژوهش مستقلی درباره اشعار رودکی و کیفیت و کمیت آن در فرهنگ لغت حلیمی انجام نشده است.

این پژوهش مبتنی بر توصیف و مقایسه و تحلیل داده‌هاست و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

فرهنگ شرح بحر الغرائب یا لغت حلیمی

فرهنگ لغت حلیمی در حدود قرن نهم به رشته تحریر درآمده است. این اثر، فرهنگ دوزبانه فارسی به ترکی و به عقیده نفیسی ترکی به فارسی است (نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۵۸). مؤلف این فرهنگ که در چاپ آن از ۲۲۰۰ بیت شعر فارسی بهره برده است، شماری از اشعار رودکی را نیز در جایگاه شاهد برای برخی لغات نقل کرده است. این فرهنگ لغت یکی از منابع نفیس در گردآوری اشعار رودکی بوده است؛ اما به نظر می‌رسد شتاب‌زدگی مصحح محترم یا اصالت نداشتن نسخه استفاده‌شده، سبب شده است که بسیاری از شواهد موجود در این فرهنگ، در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی - برای مثال ابیات ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۷۱، ۹۰۳، ۱۰۴۶ و... - مستند به فرهنگ نامبرده نباشد.

لطف الله حلیمی، مؤلف این فرهنگ، یکی از فرهنگ‌نویسان قرن نهم هجری است. ذاکرالحسینی پیش از این، پژوهشی جامع درباره آثار این نویسنده انجام داده و در مقاله گسترده خود، با عنوان «حلیمی و فرهنگ هایش»، شرحی از همه آثار این فرهنگ‌نویس ارائه کرده است. او با توجه به شواهدی که ارائه می‌دهد، تاریخ تحریر این کتاب را بین سال‌های ۸۷۲-۸۸۸ دانسته است (ذاکرالحسینی، ۱۳۸۳: ۲۲). متأسفانه هنوز تصحیحی از فرهنگ لغت حلیمی که نسخه‌های متعددی از آن در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران وجود دارد، به چاپ نرسیده است.

در برخی متون، از این کتاب با عنوان‌های دیگری مانند رساله قاسمیه و قائمه یاد شده است. این اثر، فرهنگی فارسی به ترکی است. نویسنده ابتدا لغت را به فارسی ضبط کرده است و توضیحات واژه را به ترکی می‌آورد. سپس یک یا چند بیت فارسی برای شاهد بیان می‌کند. مؤلف در حد توان با استفاده از دیوان شعر شاعران، از اشعار آنان بهره برده

است؛ در صورت نداشتن این دیوان‌ها، به سایر فرهنگ‌های پیش از خود مراجعه کرده و شاهد را از آنجا، چه با نقل مستقیم از منبع دریافت‌کننده چه بی‌نقل، ضبط کرده است.

بی‌گمان منابع استفاده‌شده مؤلف، لغت فرس اسدی طوسی و همچنین صحاح الفرس هندوشاه نخجوانی است؛ این موضوع با مقایسه شواهد و لغاتی که او در این کتاب آورده است، برای خواننده آشکار می‌شود. ذاکرالحسینی درباره منابع استفاده‌شده در لغت حلیمی می‌نویسد: «مؤلف یک‌جا از اسدی طوسی، هندوشاه نخجوانی، حکیم قطران ارموی و شمس فخری یاد کرده و معلوم می‌شود که لغت فرس اسدی، صحاح الفرس هندوشاه، رساله منتخب قطران و معیار جمالی شمس فخری از مآخذ وی بوده است و چون در حواشی نسخه دهخدا لغات بسیاری از اقنوم عجم (برخی با خط متن) افزوده شده، گویا آن نیز از مآخذ حلیمی بوده است» (همان: ۲۳).

البته او تنها به شواهد شعری این متون بسنده نکرده و شواهد دیگری را نیز به کتاب افزوده است. «شواهد کتاب غالباً از شعر شاعرانی چون اسدی، فردوسی، فرخی، انوری، سعدی، حافظ، کمال خجندی، شمس فخری و لطیفی انتخاب شده است» (همان).

در این فرهنگ، شواهد شعری رودکی بیشتر، از لغت فرس و صحاح الفرس انتخاب شده است. همچنین این کتاب یکی از منابع سعید نفیسی است؛ اما گویا کاتب نسخه‌ای از این فرهنگ، که در دسترس ایشان بوده، شواهد شعری را به صورت موجز ضبط کرده بوده است. این نکته با مقایسه دو نسخه خطی که یکی متعلق به دهخدا بوده است و دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۶۱ نگهداری می‌شود، به‌خوبی مشخص است. ذاکرالحسینی در این باره می‌نویسد: «از مقابله نسخه‌های کتاب مشخص می‌شود که از لغت حلیمی دو تحریر وجود دارد: یکی با تلخیص و حذف شواهد؛ دیگری با تفصیل و افزایش مداخل و شواهد و برخی افزودگی‌های دیگر» (همان: ۲۱).

آنچه در ادامه این پژوهش بررسی می‌شود، با محوریت دو دست‌نویس این کتاب (موجود در کتابخانه ملی و مجلس) به انجام رسید. این دو دست‌نویس عبارت است از:

- نسخه کتابخانه ملی با شماره ثبت ۱۸۱۱۸-۵ و تاریخ کتابت ۹۳۰ و ۹۲۹؛ خط این نسخه نستعلیق تحریری است و ۲۴۱ برگ دارد.

- نسخه مجلس با شماره بازیابی ۸۶۱؛ خط نسخه، نستعلیق و بدون تاریخ کتابت است که شاید در ابتدای قرن ۱۰ نوشته شده باشد. این نسخه ۱۷۶ برگ دارد.

هر دو نسخه در ذکر شواهد بسیار به هم شبیه است و تحریر دوم و کامل‌تر این فرهنگ را شامل می‌شود.

آنچه نگارندگان را به نوشتن این پژوهش ترغیب کرد، وجود برخی ابیات نویافته، ضبط‌های منحصر به فرد و همچنین انتساب ابیاتی از رودکی - که در مجموعه اشعار رودکی جزو اشعار پراکنده او نقل شده است - به شاعران دیگر است که باتوجه به تحریرهای دو و چندگانه این فرهنگ، از دید نفیسی پنهان مانده است.

چنانکه پیشتر بیان شد، این پژوهش در دو بخش برخی ابیات منقول و منسوب به رودکی را در این فرهنگ بررسی می‌کند.

در بخش اول ابیاتی از این فرهنگ بررسی می‌شود که کاملاً تازه است و تاکنون در هیچ‌یک از مجموعه اشعار رودکی مانند کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی از نفیسی و دیوان رودکی از سایر مصححان، یادی از آنها نشده است.

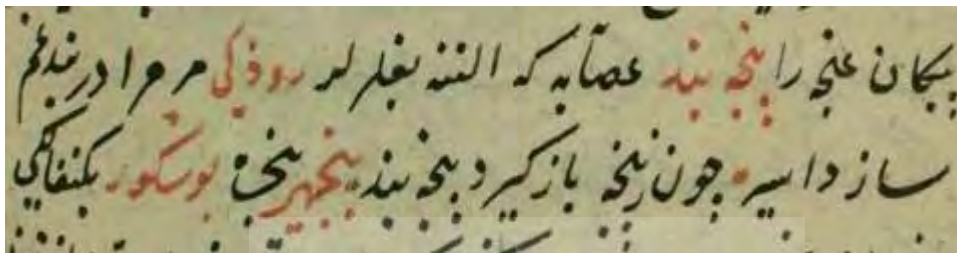
در بخش دوم این پژوهش ابیاتی بررسی و ژرف نگری می شود که یا در این فرهنگ به نام رودکی آمده و در سایر منابع به نام شاعری دیگر نقل شده است و یا برعکس، در مجموعه اشعار رودکی به نام این شاعر ضبط شده، اما در این فرهنگ به نام شاعری دیگر ثبت شده است.

ابیات نویافته از رودکی در فرهنگ شرح بحرالغرائب یا لغت حلیمی

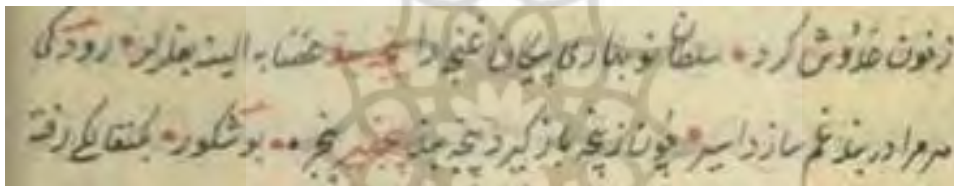
مر مرا در بند غم سازد اسیر چون ز پنجه باز گیرد پنجه بند

(حلیمی، نسخه مجلس: برگ ۳۹؛ همان، نسخه ملی: ص ۹۹)

این بیت در دو نسخه مجلس و ملی از لغت حلیمی، به استشهد واژه «پنجه بند» به نام رودکی آمده است.



نسخه ملی (ص ۹۹)



نسخه مجلس (برگ ۳۹)

این بیت افزون بر این فرهنگ در فرهنگ لسان العجم (فرهنگ شعوری) - که همانند لغت حلیمی، فرهنگ لغتی ترکی به فارسی است و بسیار از آن تأثیر گرفته است - ذیل واژه «پنجه بند» به طور مغشوش ضبط شده است:

هر که ما را در غمی سازد اسیر چون ز پنجه ناز (باز) گیرد پنجه بند

(شعوری، ۱۱۰۰: برگ ۲۶۴)

دیرلر پنجه بند یح سکون نون و فتح جیم نارسیمه پیشانی بند معناسنده در الن باغی دیک
اولور عزیزیه عصابه دیرلر استاد رودکی بیت هر که ما را در غمی سازد اسیر * چون ز پنجه
نازکیرد پنجه بند * استاد هدی بیت به پنددم چون به پنجه تم * به بند در غم دلم

لسان العجم، چاپ سنگی (برگ ۲۶۴)

این بیت تاکنون در منبعی دیگر جز این دو فرهنگ و در هیچ یک از مجموعه اشعار رودکی ضبط نشده است. البته در بررسی و دگرگونی برخی فرهنگ های لغت، دو واژه «پنجه» و «پنجه بند» - چنانکه در فرهنگ شعوری نیز با ضبط فرهنگ حلیمی، تفاوتی مشاهده می شود - با صورت های مختلفی ضبط شده؛ در برخی از فرهنگ ها نیز مصحح، با وجود ضبط مؤلف فرهنگ، صورتی دیگر را ضبط کرده است.

همچنان که گفته شد در ضبط واژه «پنجه»، صورت های مختلفی در فرهنگ ها ارائه شده است که این سخنان را به

سه دسته می توان تقسیم کرد:

دسته اول فرهنگ‌هایی است که این واژه را به صورت «پُنجه» به معنای «پیشانی» و... آورده‌اند. برخی از این فرهنگ‌ها عبارت است از: لغت حلیمی، مجموعه الفرس (اصلاح مصحح)، برهان قاطع، صحاح الفرس (به نقل از حاشیه مجموعه الفرس)، فرهنگ رشیدی (پنجه) و... .

دسته دوم فرهنگ‌هایی است که این واژه را به صورت «پُنجه» به معنی «پیشانی» ضبط کرده‌اند. برخی از این فرهنگ‌ها عبارت است از: لغت فرس اسدی طوسی تصحیح اقبال، صحاح الفرس، مجمع الفرس سروری، فرهنگ قطران و... .

دسته سوم فرهنگ‌هایی است که آشکارا این واژه را به صورت «پیچه» به معنی «پیشانی» و معانی دیگر ضبط کرده‌اند. برخی از این فرهنگ‌ها عبارت است از: لغت فرس اسدی تصحیح اقبال و تصحیح مجتبایی، فرهنگ قواس، صحاح الفرس (متن نسخه بدل‌ها)؛ فرهنگ قطران، تحفه الاحباب و مجموعه الفرس (متن اصلی) و... .

شرح چگونگی ضبط این واژه در فرهنگ‌های ذکر شده، موجب طولانی شدن کلام و ملالت خواننده می‌شود؛ اما ذکر آن خالی از لطف نخواهد بود.

در لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال، دو ضبط متفاوت از این واژه دیده می‌شود. این واژه در ضبط اول به صورت «پیچه‌بند» آمده است: «عصابه‌ای باشد که زنان بر پیشانی بندند، عسجدی گفت:

بیچد دلم چون ز پیچه بتم گشاید به رغم بتم پیچه‌بند
(اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل پیچه‌بند)

در ضبط دوم، اقبال واژه را به صورت «پُنجه» آورده است. البته ایشان در ضبط دوم این واژه در حاشیه، اشتباه خود را یادآوری کرده و ضبط دوم را اصیل‌تر دانسته است. او در حاشیه چنین می‌نویسد: «پُنجه پیشانی باشد در زبان ماوراءالنهر. در صفحه ۱۰۲ در لغت «پیچه‌بند» صحیح «پُنجه‌بند» است و ما ملتفت نبودیم و آن را به غلط «پیچه‌بند» چاپ کردیم، باید تصحیح شود» (همان: ذیل پُنجه، ح ۱).

در صحاح الفرس نیز این واژه‌ها به صورت «پُنجه» و «پُنجه‌بند» ضبط شده و به همراه آن شواهدی از منجیک ترمذی و شهید (عسجدی) آمده است. ذیل واژه «پنجه» آمده است: «پُنجه: پیشانی باشد. منجیک گفت:

به تیغ طره ببرد ز پُنجه خاتون به گرز پست کند تاج بر سر چپال
(نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل پُنجه)

ذیل «پُنجه‌بند» نیز آمده است: «عصابه باشد، جهت آنکه پیشانی را پنجه خوانند. شهید گفت:

بیچد دلم چون ز پُنجه بتم گشاید به رغم بتم پُنجه‌بند
(همان: ذیل پُنجه‌بند)

مصحح در حاشیه این واژه با اینکه نسخه بدل‌های آن تأییدکننده ضبط «پیچه‌بند» هستند و به صورت «پیچند»، «پیچند» و «تیچند»، آمده‌اند، ضبط دهخدا را در مجله یغما، معیار تصحیح خود قرار می‌دهد و آن را اصیل‌تر می‌داند و متن را براساس آن اصلاح می‌کند (همان: ح ۷).

در مجمع الفرس سروری واژه «پنجه» به دو صورت متفاوت آمده؛ یکی به صورت «پُنجه» در بیت عسجدی ضبط شده است که ذکر آن گذشت (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل پُنجه‌بند) و یکبار دیگر به صورت «پُنجه» ذیل همین واژه آمده و بیت منجیک که ذکر آن گذشت، برای استشهاد بیان شده است (همان: ذیل پُنجه).

همچنین در این فرهنگ واژه «پیچه» نیز ضبط شده؛ اما مؤلف، آن را به معنی «عشقه باشد که بر درخت پیچد و

خشک گرداند آن را» آورده است (همان: ذیل پیچه).

در فرهنگ رشیدی این واژه به صورت «پنجه» و «پنزه» آمده و مؤلف ذیل آن چنین نوشته است: «نوعیست از رقص که جمعی دست همدیگر را گرفته برقصند و دست‌بند نیز گویند» (توی، ۱۳۳۷: ذیل پنجه و پنزه). همچنین ذیل واژه «پنجه‌بند» آورده است: عصابه‌ای باشد که بر پنجه‌بندند (همان). رشیدی در ادامه، واژه «پیچه» را نیز آورده و ذیل واژه سه معنی برای آن نقل کرده است: «پیچه همان پیچک به معنی نخست و زلفی که سرش مقراض کرده و زنان و پسران صاحب حسن بر روی گذارند جهت زیبایی و پوشش در خانه» (همان: ذیل پیچه).

در فرهنگ مجموعه الفرس نیز این واژه به صورت «پنجه» به معنی «پیشانی» ضبط شده است. مصحح در حاشیه این واژه چنین نوشته است: «در اصل (یعنی در نسخه) پیچه بود، که ما از برهان و صحاح الفرس اصلاح کردیم. در برهان پنجه - به معنی پیشانی باشد که عربان ناصیه گویند و موی را نیز گفته‌اند که از سر زلف ببرند و آن را پیچ و خم داده و بر پیشانی گذارند. و نیز در برهان «بیج» موی پیش سر را گفته‌اند. این واژه در فرهنگ‌نامه‌ها به صورت: پیچه و پنجه هر دو آمده است. در تفسیر نسفی: بجه است مانند لسنفعاً بالناصیه، هرآینه فرماییم گرفتن و کشیدن بجه این دروغ‌گوی خطاکار، (سوره علق آیه ۱۶) و نیز تفسیر نسفی (ص ۹۴۲-۹۴۳)» (جاروتی، ۱۳۵۶: ذیل پنجه).

در فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران تبریزی نیز دو صورت متفاوت در ضبط این واژه دیده می‌شود. مؤلف یک‌بار این واژه را به صورت «پنجه»، به معنی «پیشانی» (۱۳۸۰: ذیل پنجه) و یک‌بار دیگر به صورت «پیچه» و به معنی «بند پیشانی» (همان: ذیل پیچه) به کار برده است.

در تحفه الاحباب نیز همانند متن دست‌نویس مجموعه الفرس، این واژه آشکارا به صورت «پیچه» و به معنی پیشانی آمده است (حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ذیل پیچه)

مجتبایی و علی‌اشرف صادقی، ذیل واژه «پنجه» در لغت فرس اسدی، یادداشت مفصلی درباره این واژه و اصالت آن نوشته‌اند که در این پژوهش از آن بهره برده شد. مصححان در یادداشت خود، این نکته لطیف را یادآور شده‌اند که از این بیت «عسجدی» - که تنها در نسخه خطی متعلق به نفیسی از میان نسخ خطی لغت فرس موجود است و مرحوم عباس اقبال نیز آن را برای استشهاد واژه «پیچه‌بند» به کار بسته است - مشخص می‌شود، شاعر قصد داشته است که بین «پیچیدن» و «پیچه» و «پیچه‌بند»، صنعت جناس ایجاد کند (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ذیل پنجه، ح ۳).

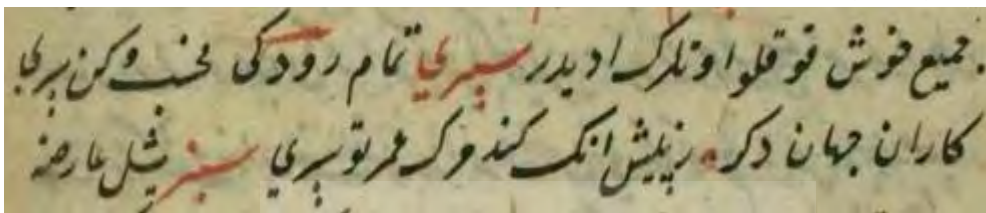
درباره ضبط این واژه در این یادداشت نیز چنین آمده است: «در متن چاپی صحاح الفرس کلمه «پیچه» به صورت «پنجه» ضبط شده است؛ اما در نسخه «د» این کلمه صریحاً «پیچه» آمده که مصحح صحاح ضبط آن را از قلم انداخته است» (همان). همچنین در این یادداشت تاریخچه‌ای برای واژه‌های «پیچه» و «بجه» و «پیچیدن» در متون مختلف ارائه شده است تا شاهی برای اثبات صورت اصیلی از واژه منظور باشد: «در السامی «عقیصه» به «پیچیده» معنی شده است (چاپ عکسی بنیاد فرهنگ، ۱۰۸)؛ در مقدمه الادب زمخشری «طره» به «پیچه»، «پیچه موی پیشانی» و «زلف پیچه‌شده» برگردانده شده است (چاپ دانشگاه، ج ۱، ۱۳۷۵)؛ در صراح (ترجمه صحاح) «صدغ» به «موی پیچه» برگردانده شده است. و در دستور الافاضل، «زلف» (که همان موی صدغ است) به «موی پیچه» تعریف شده است. و در تفسیر نفیسی کلمه ناصیه به «بجه» ترجمه شده است که ظاهراً با پیچه مربوط است» (همان). همچنین ایشان در ادامه چنین می‌گویند: «اطلاق «پیچه» به پیشانی و موی پیشانی براساس اصل مجاورت است؛ نظیر اطلاق «صدغ» به شقیقه و موی شقیقه و ناصیه به پیشانی و موی پیشانی در عربی. این کلمه ظاهراً از قرن هفتم و اوایل قرن هشتم به بعد، به «پنجه» یا «پنجه»

برگردانده شده و در دستورالاحوان، از تألیفات اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم به «موی پیشانی» و «پنجه»، معنی شده است. آنچه در زمان ما «پیچه» گفته می‌شود نیز «پیچه‌بند» است با حذف جزء دوم آن (همان).
 با توجه به توضیحات ارائه شده درباره اصلت واژه «پیچه» و «پیچه‌بند»، این بیت را که در فرهنگ حلیمی و شعوری به رودکی منسوب است، به صورت ذیل نیز می‌توان اصلاح کرد:

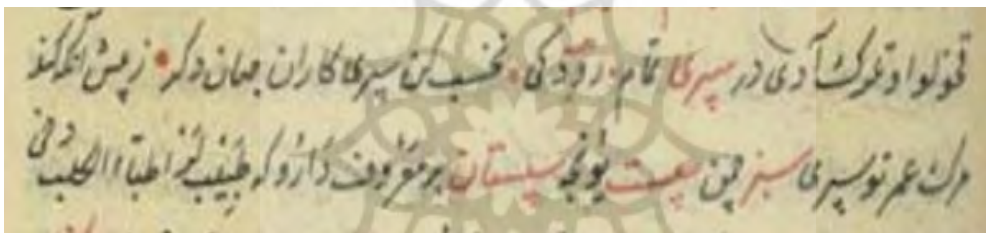
مـر مـرا در بـند غـم سـازد اسـیر چـون ز پـیـچـه بـاز گـیرد پـیـچـه بـند
 نـخسـب کـن سـپـری کـار آن جـهـان دگـر ز پـیش آنکـه کـند مـرگ عـمـر تو سـپـری

(حلیمی، نسخه ملی: ص ۲۵۸؛ همان، نسخه مجلس: برگ ۹۸)

این بیت در نسخه مجلس به همین صورت و در نسخه ملی با اختلاف «نخسب و کن» و «آنک»، به استشهاد واژه «سپری» به معنی تمام، به نام رودکی ضبط شده است:



نسخه ملی (ص ۲۵۸)



نسخه مجلس (برگ ۹۸)

در هیچ کدام از نسخه‌های خطی لغت فرس و صحاح الفرس و سایر فرهنگ‌های لغت، تاکنون این بیت مشاهده نشده است. ذیل واژه «سپری» در لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال، بیتی دیگر از رودکی برای شاهد آورده شده است:

بـتا نـخوام گـفت تـمـام مـدح تـو رـا کـه شـرم دـارد خـورشـید اگـر کـنم سـپـری
 (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل سپری)

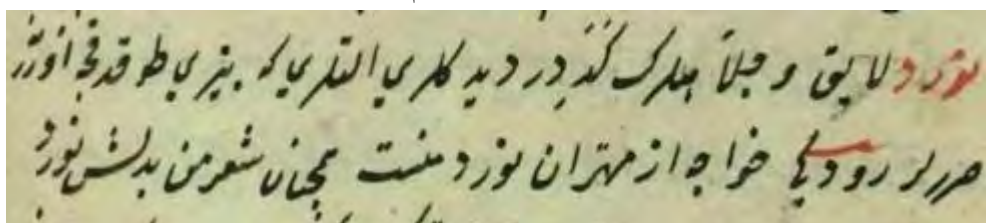
همین شاهد که در لغت فرس اسدی، به تصحیح اقبال، از رودکی آورده شده، در صحاح الفرس به نام فرخی نیز آمده است (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل سپری).

در ضبط این بیت همان‌طور که بیان شد، بین دو نسخه ملی و مجلس اختلافی جزئی مشاهده می‌شود. واژه «نخسب» که در نسخه مجلس ضبط شده، ممکن است تصحیف واژه «نخست» باشد.

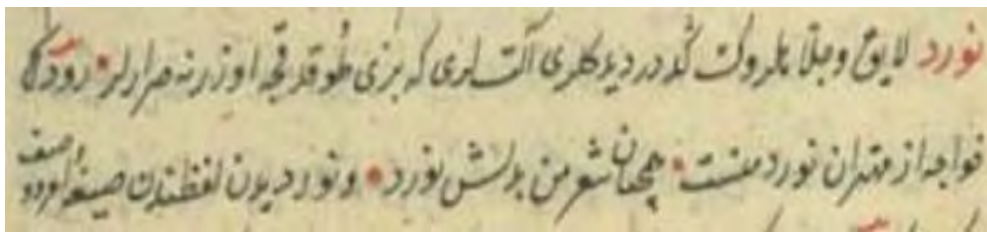
خواجه از مهتران نورد منست همچنان شعر من بدش نورد

(حلیمی، نسخه ملی: ص ۴۵۲؛ همان، نسخه مجلس: برگ ۱۷۸)

این بیت در دو نسخه ملی و مجلس، به استشهاد واژه «نورد»، به نام رودکی ضبط شده است.



نسخه ملی (ص ۴۵۲)



نسخه مجلس (برگ ۱۷۸)

همچنین این بیت در فرهنگ شعوری ذیل واژه نورد به نام عنصری آورده شده است که در دیوان او موجود نیست.

زطومار عم باز کنی * حرفهایی آغشته بخون جگر م * استاد عنصری بیت خواجه از مهران
نورد منست * همچنان شعر من بدانش نورد * سادس بر او مانند معناسنه شیخ نظامی بیت

فرهنگ شعوری، (ج ۲: برگ ۲۸۰)

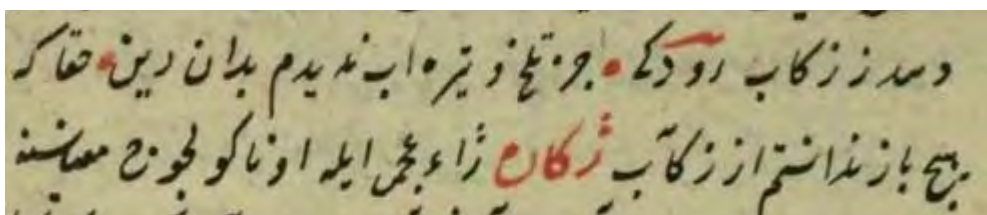
ذیل واژه «نورد» به معنی «درخورنده» در سه تصحیح از لغت فرس، (اسدی طوسی، ۱۳۱۹، ذیل نورد؛ همان، ۱۳۳۶، ذیل نورد؛ همان، ۱۳۶۵: ذیل نورد) و همچنین در صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل نورد)، دو شاهد از کسایب آمده است. در سایر فرهنگ ها از جمله عجایب اللغه (ادیبی: برگ ۱۰)، فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷: ذیل نورد)، مجمع الفرس (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل نورد) و... این بیت برای شاهد واژه نورد نیامده است. فرهنگ شعوری بسیار از فرهنگ لغت حلیمی تأثیر گرفته است؛ به همین سبب احتمال انتساب این بیت به عنصری کمتر است؛ البته تا یافتن سندی دیگر، این بیت که تنها در فرهنگ حلیمی به نام رودکی آمده است، باید منسوب به او دانسته شود.

انتساب‌ها

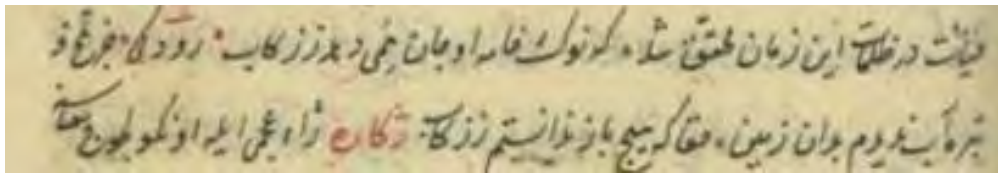
انتساب اشعار سایر شاعران به رودکی و برعکس، در فرهنگ‌های لغت و سایر منابع بسیار است؛ به گونه‌ای که در صورت اثبات این انتساب‌ها به شاعران دیگر، شمار اندکی از ابیات رودکی باقی خواهد ماند. بی‌گمان رسیدن به این مهم در این پژوهش، نیازمند تصحیح انتقادی این فرهنگ با استفاده از همه نسخه‌های خطی موجود از این متن است که تاکنون فردی به آن همت نگماشته است. همچنین باید شواهد این فرهنگ با سایر فرهنگ‌ها و منابع مختلف مقایسه و انتساب ابیات به‌طور کامل گزارش شود. نگارندگان تاحدی که از حوصله این پژوهش خارج نشود، برخی از این ابیات را بررسی کردند و با مراجعه به سایر منابع لغت، چگونگی انتساب برخی ابیات را در مجموعه اشعار رودکی به شاعران دیگر، با محوریت این فرهنگ، شرح دادند. همچنین در این فرهنگ دو بیت به نام رودکی ثبت شده است که در سایر منابع از شاعر دیگری دانسته شده است. در این بخش نخست به این دو بیت پرداخته می‌شود و سپس ابیاتی بررسی می‌شود که در منابع دیگر به رودکی منسوب شده است.

جز تلخ و تیره آب ندیدم بدان زمین حقا که هیچ باز ندانستم از زکاب

(حلیمی، نسخه مجلس: برگ ۹۳؛ همان، نسخه ملی: ص ۲۴۴)



نسخه ملی (ص ۲۴۴)



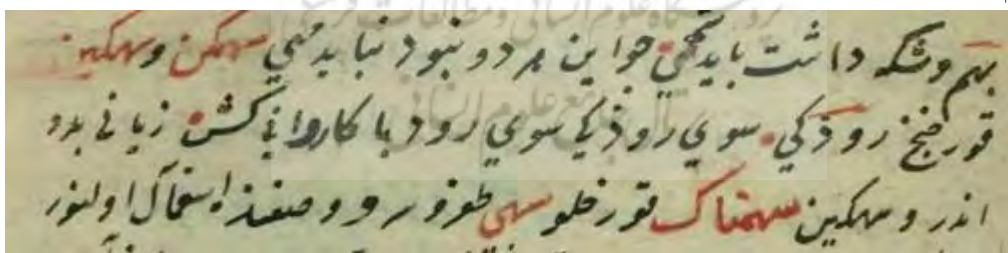
نسخه مجلس (برگ ۹۳)

این بیت در دو نسخه مجلس و ملی از لغت حلیمی، ذیل واژه «زکاب» به نام رودکی ضبط شده است. در منابع لغوی از جمله لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹)، ذیل واژه «زکاب» و در تصحیح مجتبابی (همان، ۱۳۶۵) ذیل واژه «زکاب»، بیت همانند این فرهنگ ضبط شده و به نام «بهرامی» آمده است. همچنین در لغت فرس اسدی به تصحیح دبیرسیاقی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶)، صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱)، فرهنگ وفایی (وفایی، ۱۳۷۴)، مدار الافاضل (فیضی سرهندی، ۱۳۳۷)، فرهنگ جهانگیری (جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۹: ذیل زکاب)، مجمع الفرس سروری (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل زکاب)، فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷: ذیل زکاب)، فرهنگ آندراج (محمدپادشاه، ۱۳۳۵)، ذیل واژه «زکاب» با اختلاف «در آن زمین»، این بیت به نام «بهرامی» آمده است. این بیت در فرهنگ بهار عجم، (چندبهار، ۱۳۸۰) و فرهنگ آندراج (محمدپادشاه، ۱۳۳۵) نیز ذیل «باز ندانستن» به نام «بهرامی» آمده است. در فرهنگ قواس نیز بیت نامبرده با اختلاف «درین زمین» (قواس غزنوی، ۱۳۵۳) و در فرهنگ شعوری با اختلاف «در این جهان» (شعوری، ۱۱۰۰، ج ۲، برگ ۴۱) و در فرهنگ عجایب اللغه با اختلاف «زکاب»، (ادیبی، نسخه خطی مجلس: برگ ۶)، به نام «بهرامی» ضبط شده است. از میان فرهنگ‌های نامبرده تنها در حاشیه لغت فرس به تصحیح دبیرسیاقی، در نسخه بدل «نچ» این بیت به نام رودکی ضبط شده است (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ذیل زکاب، ح ۳). توجه به تعدد منابع در انتساب این بیت به بهرامی، گمان تعلق آن را به رودکی بسیار کم می‌کند؛ اما این فرهنگ تنها منبع مستقلی است که بیت منظور را به نام رودکی آورده است و به همین سبب می‌توان به آن توجه داشت.

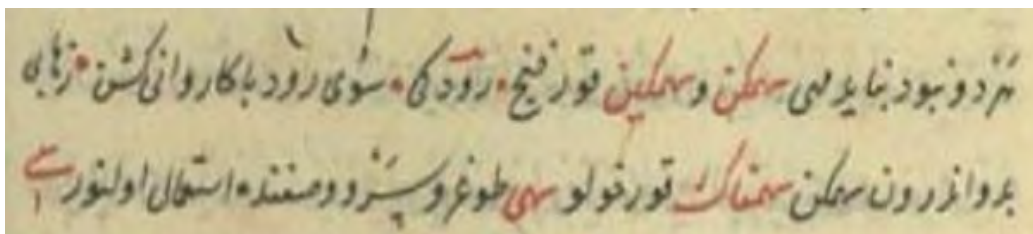
سوی رود با کاروانی گشن زهایی بدو اندرون سهمگن

(حلیمی، نسخه ملی: ص ۲۸۵؛ حلیمی، نسخه مجلس: برگ ۱۰۸)

این بیت در دو نسخه ملی و مجلس، ذیل واژه «سهمگن، سهمگین» و در نسخه ملی با اختلاف «زهانی» به جای «زهایی»، به نام رودکی ضبط شده است.



نسخه ملی (ص ۲۸۵)



نسخه مجلس (برگ ۱۰۸)

همچنین این بیت در فرهنگ شعوری ذیل واژه «سهمگن» و «سهمگین» به نام رودکی آمده است (شعوری، ۱۱۰۰، ج

۲: برگ ۷۰.

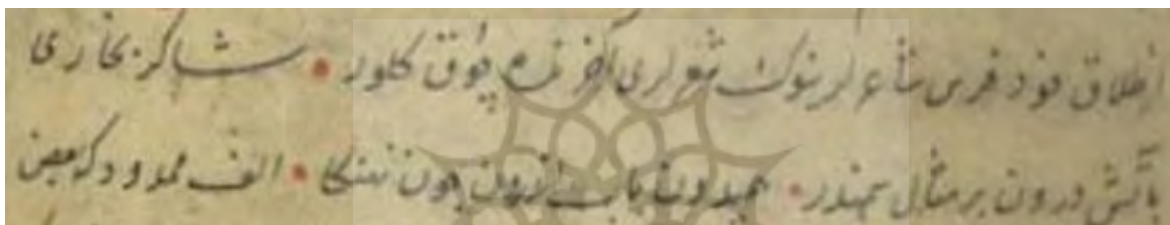
حال عاشق نویسد قلم سهرانی **سهمکن** و سهمکن **کلاهما باظهار الهماء** و سکون الهم
و کسر الکاف یعنی سهمناک قوم یعنی قورقچ استاد رودکی بیت سوی رود با کاروانی کش *
ذعابی بدواندرون سهمکن * مولانا هاتی بیت درین سهمکن نیرکون نیر مشب * زمشرق

لسان العجم (ج ۲: برگ ۷۰)

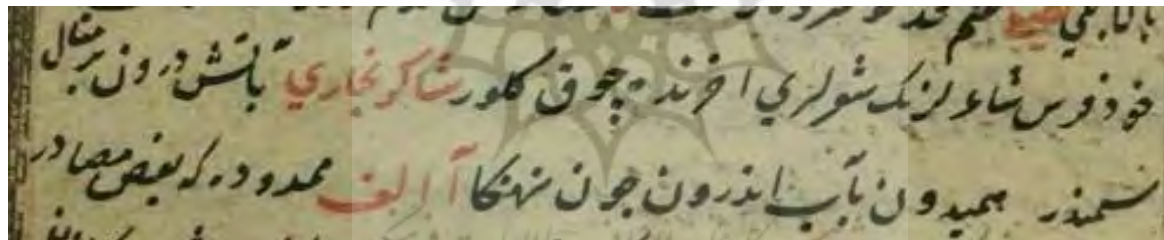
در لغت فرس به تصحیح مجتبابی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵)، دبیرسیاکی (همان، ۱۳۳۶)، اقبال (همان، ۱۳۱۹)؛ صحاح
الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱)، فرهنگ مجموعه الفرس (جاروتی، ۱۳۵۶: ذیل زهاب)، همین بیت ذیل واژه «زهاب» از
«بوشکور» نقل شده است. در فرهنگ عجایب اللغة (ادیبی، نسخه خطی کتابخانه مجلس: برگ ۵) این بیت به نام
«فرخی» آمده است؛ در فرهنگ منسوب به قطران نیز این بیت بدون ذکر نام شاعر آمده است (فرهنگ فارسی مدرسه
سپهسالار منسوب به قطران، ۱۳۸۰: ذیل زهاب).

به آتش درون بر مثال سمندر همیدون به آب اندرون چون نهنگا

(حلیمی، نسخه مجلس: برگ ۴؛ همان، نسخه ملی: ص ۷)



نسخه مجلس (برگ ۴)



نسخه ملی (ص ۷)

این بیت در نسخه مجلس و ملی، ذیل «آلف» به نام «شاکر بخاری» آمده؛ در حالی که در مجموعه اشعار رودکی
از جمله در تصحیح نفیسی (نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۵۷)، دانش پژوه (رودکی، ۱۳۷۴: ۷۱)، کریمیان سردشتی (همان، ۱۳۸۸:
۲۱۰)، به صورت ذیل در بخش «اشعار پراکنده» از رودکی آمده است:

به آتش درون بر مثال سمندر به آب اندرون بر مثال نهنگان

همچنین بیت نامبرده در دیوان رودکی به تصحیح شعار در بخش «اشعار منسوب و ملحق» و به نام شاکر بخاری
آمده است (رودکی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) امامی نیز در حاشیه این بیت در دیوان رودکی، انتساب آن به شاکر بخاری را یادآور
شده است (رودکی، ۱۳۸۵: ۸۳).

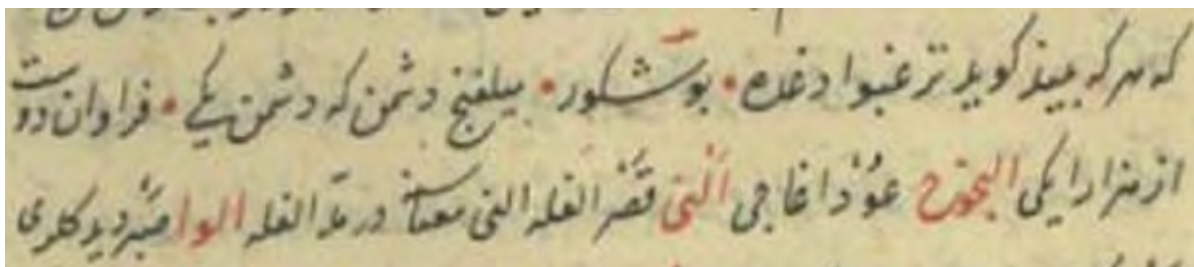
این بیت در منابع لغوی دیگر از جمله صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل سمندر) (همانند ضبط نفیسی)،
لغت فرس نسخه نخجوانی (اسدی طوسی، نسخه خطی لغت فرس نخجوانی: ۵۷) (همانند ضبط لغت حلیمی)،
لغت فرس نسخه خطی کتابخانه ملی متعلق به همایی (همان، نسخه خطی متعلق به جلال الدین همایی: ۳۹) (همانند

ضبط نفیسی)، عجائب اللغة (ادیبی، نسخه خطی کتابخانه مجلس: ۴۶)، با اختلاف «نهنگان» به جای «نهنگا»، به نام «شاکر بخارایی» و به ترتیب در منابع نامبرده با صورت‌های «شاکر بخاری»، «بخاری» و «شاکر» ضبط شده است. در منابع دیگر مانند لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل سمندر)، فرهنگ منسوب به قطران تبریزی (فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ذیل سمندر، ح ۹)، فرهنگ مجمع الفرس به نقل از حاشیه فرهنگ مجموعه الفرس (جاروتی، ۱۳۵۶: ذیل سمندر، ح ۲) بیت نامبرده به رودکی منسوب است.

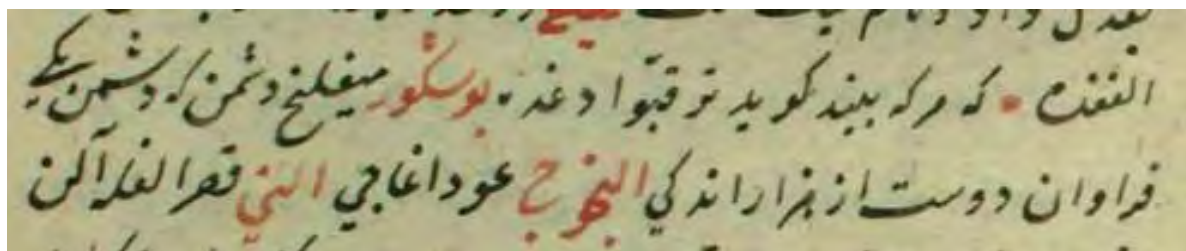
همچنین ضبط واژه «نهنگا» در همه منابع نامبرده به جز لغت فرس نخجوانی، به صورت «نهنگان» است. نکته مهم ضبط نسخه لغت فرس نخجوانی است که یکی از نسخه‌های استفاده شده اقبال در تصحیح این کتاب بوده، اما به اختلاف ضبط این نسخه با متن، جز نام شاعر، در حاشیه کتاب اشاره‌ای نشده است (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل سمندر). با این توضیحات مشخص می‌شود که ریشه این دودستگی در انتساب این بیت به «شاکر بخاری» و «رودکی»، به نسخه‌ای از لغت فرس اسدی برمی‌گردد که تنها منبع ضبط نام «رودکی» برای بیت منظور است. این نسخه با علامت اختصاری «س» و متعلق به نفیسی است که در تصحیح اقبال استفاده شده است. در آن به اشتباه نام شاعر «رودکی» ضبط شده و مرحوم اقبال نیز آن را وارد کرده است. پس از آن براگینسکی (ر.ک: میرزایف، ۱۹۵۸: ۵۳۷) و نفیسی در جمع‌آوری اشعار رودکی با استناد به همین منبع، بیت را در اشعار پراکنده نقل کرده‌اند. دیگران نیز که این بیت را به نام رودکی نقل کرده‌اند، مانند علی‌اشرف صادقی در حاشیه فرهنگ قطران، یا به لغت فرس به تصحیح اقبال و یا به دیوان رودکی به تصحیح نفیسی ارجاع داده‌اند؛ همچنین در فرهنگ مجموعه الفرس که ذکر آن گذشت، بیت منظور در حاشیه با استناد به مجمع الفرس سروری و بدون ارجاع به صفحه، به نام رودکی آمده که گمان می‌رود مصحح از کتاب لغت فرس به تصحیح اقبال برای نقل این بیت به نام رودکی استفاده کرده باشد؛ زیرا با مراجعه به این فرهنگ به تصحیح دبیرسیاقی ذیل واژه «سمندر» نشانی از بیت نامبرده یافت نمی‌شود (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل سمندر)؛ نفیسی نیز در ذیل این بیت در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، اشاره‌ای به مجمع الفرس سروری نکرده است (نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۵۷). لغت حلیمی، فرهنگ صحاح الفرس و فرهنگ عجایب اللغة در نقل شواهد، بسیار از فرهنگ لغت فرس اسدی تأثیر پذیرفته‌اند. با وجود نقل تنها یک منبع برای انتساب این بیت به رودکی، می‌توان گفت احتمال انتساب این بیت به شاکر بخاری بسیار قوی‌تر از رودکی است؛ مگر اینکه منابع بیشتری از نقل این بیت به نام رودکی در آینده یافت شود.

میفلنج دشمن که دشمن یکی فراوان دوست از هزار اندکی

(حلیمی، نسخه ملی: ص ۴۱)



نسخه مجلس (برگ ۱۸)



نسخه ملی (ص ۴۱)

این بیت در نسخه ملی و مجلس از لغت حلیمی، به استشهد واژه «الفنج» به نام «ابوشکور» آمده و در نسخه مجلس به صورت ذیل ضبط شده است:

میلفنج دشمن که دشمن یکی فراوان دوست از هزارا یکی
(همان، نسخه مجلس: برگ ۱۸)

این بیت در مجموعه اشعار رودکی به تصحیح نفیسی (نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۸۰)، دانش پژوه (رودکی، ۱۳۷۴: ۶۰)، شعار (همان، ۱۳۷۸: ۱۰۰)، امامی (همان، ۱۳۸۷: ۱۱۶) و کریمیان سردشتی (همان، ۱۳۸۸: ۲۳۹) در بخش «ابیات پراکنده از مثنوی بحر مقارب»، به صورت ذیل آمده است:

میلفنج دشمن که دشمن یکی فزونست و دوست از هزار اندکی

این بیت در حالی به مجموعه اشعار بازمانده از رودکی وارد شده که در سایر منابع به به نام «ابوشکور بلخی» ضبط شده است. این منابع عبارت است از: لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل الفنج) با اختلاف «فراوان و دوست از هزار»، تصحیح دبیرسیاقی (همان، ۱۳۳۶: ذیل الفنج)، تصحیح مجتبابی (همان، ۱۳۶۵: ذیل الفنج) (همانند ضبط اقبال)، فرهنگ منسوب به قطران (فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ذیل الفنج، ح ۱۱) (همانند ضبط اقبال)، صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل الفنج) (همانند ضبط اقبال)، مجموعه الفرس (جاروتی، ۱۳۵۶: ذیل الفنج) (با اختلاف «مه الفنج» به جای «میلفنج»)، عجایب اللغة (ادیبی، نسخه خطی کتابخانه مجلس: ۱۶) (با اختلاف «فراوان و دوست» به جای «فراوان دوست»؛ نسخه خطی لغت فرس سفینه تبریز (اسدی طوسی، بخشی از سفینه تبریز (نسخه مجلس): ۶۱۴) (با اختلاف «فراوان و دوست»)، نسخه خطی لغت فرس کتابخانه ملی متعلق به همایی (همان، نسخه خطی متعلق به همایی: ۱۶) (با اختلاف «فراوان محب» ضبط شده است).

البته نفیسی ذیل این بیت پنج منبع برای استناد آورده است:

۱) فرهنگ اسدی چاپ برلین؛

۲) فرهنگ متعلق به مدرسه علوم سیاسی؛

۳) نسخه خطی لغت فرس اسدی مورخ ۷۲۱؛

۴) نسخه خطی لغت فرس اسدی مورخ ۸۷۷؛

۵) مجمع الفرس سروری.

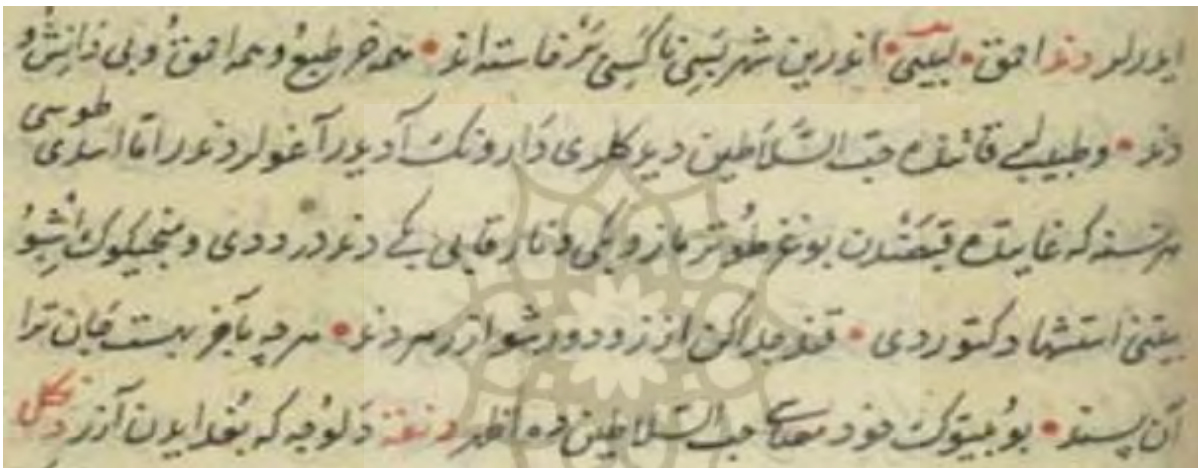
رونوشتی به تاریخ ۱۳۱۴ قمری از نسخه خطی لغت فرس اسدی، مورخ ۷۲۱ در کتابخانه ملی نگهداری می شود. این رونوشت با نشانه اختصاری «ع»، نسخه اساس اقبال برای تصحیح این کتاب بوده است. در آنجا آشکارا این بیت به نام «ابوشکور» ضبط شده است (نسخه خطی لغت فرس مورخ ۱۳۱۴: برگ ۱۶).

نسخه خطی دیگری از این فرهنگ که نفیسی به آن استناد داشته، در تصحیح اقبال با علامت اختصاری «س» استفاده شده است؛ اما مصحح در حاشیه هیچ اشاره‌ای به نام رودکی در این نسخه نکرده است (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۵۷-۵۸). در مجمع الفرس سروری تصحیح دبیرسیاقی نیز این بیت، بدون ذکر نام گوینده آن ضبط شده است (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل الفنج).

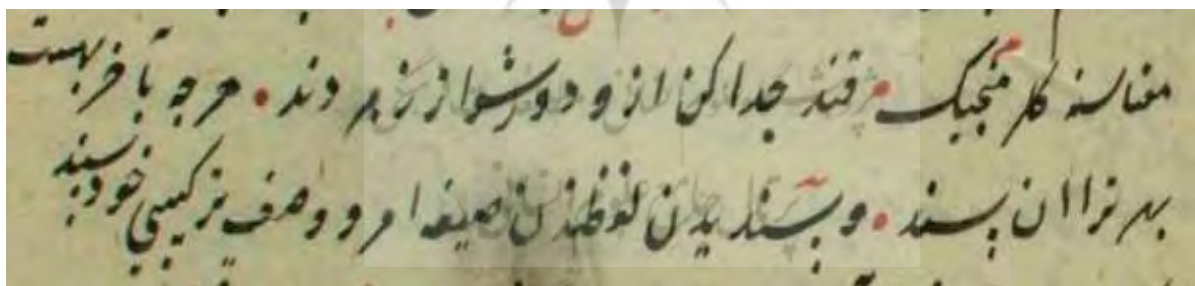
باتوجه به منابع ذکرشده برای ضبط بیت منظور به نام «بوشکور بلخی»، همچنین ضبط این بیت به نام بوشکور در همه نسخه‌های خطی لغت فرس اسدی، نسخه‌های استفاده‌شده مجتبیایی، نسخه‌های استنادشده نفیسی و چه دو نسخه لغت فرس، سفینه تبریز و نسخه متعلق به همایی - که مصححان دیوان رودکی از آن استفاده نکرده‌اند - بی شک باید این بیت از آفرین‌نامه بوشکور بلخی دانسته شود و نه از رودکی.

قند جداکن ازو، دور شو از زهر دند هر چه به آخر بهست بهر ترا آن پسند

(حلیمی، نسخه مجلس، برگ ۸۲؛ همان، نسخه ملی: ص ۲۱۳)



نسخه مجلس (برگ ۸۲)



نسخه ملی (ص ۹۱)

این بیت در نسخه ملی و مجلس، از لغت حلیمی به استشهاد واژه «دند»، به نام «منجیک» ضبط شده است. مؤلف فرهنگ لغت حلیمی آشکارا بیان می‌کند که این بیت در لغت فرس اسدی به استشهاد واژه «دند» آمده است؛ همچنین ذیل واژه «پسند» در نسخه ملی (ص ۹۱) و مجلس (برگ ۳۶) از این فرهنگ، همین بیت با اختلاف «بهر تو را» به نام «منجیک» آمده است. این بیت افزون بر این در تحفه الاحباب و حاشیه لغت فرس اسدی به تصحیح دبیرسیاقی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ذیل دند، ح ۹) به استشهاد واژه «دند» منسوب به «منجیک ترمذی» است. در دیوان منجیک ترمذی به اهتمام احسان شواربی مقدم نیز بیت نامبرده جزو اشعار منسوب به او ذکر شده و ایشان درباره ضبط آن این گونه سخن گفته‌اند: «بیت زیر از رودکی در حواشی «اسدی» به منجیک نسبت داده شده است» (شواربی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۱).

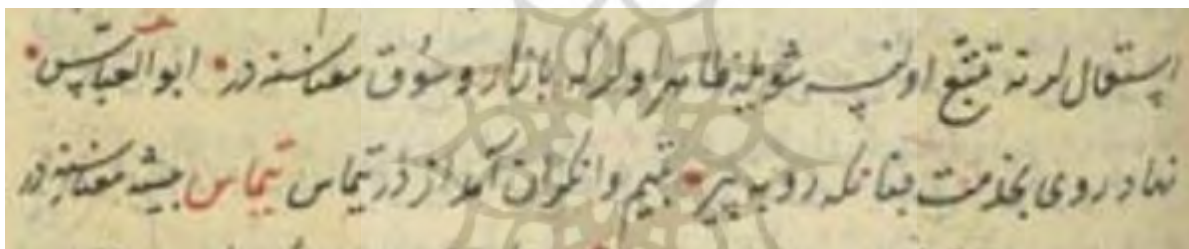
در دیوان رودکی به تصحیح کریمیان سردشتی واژه «بیسار» به صورت «بیسار» ضبط شده است (رودکی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سایر مصححان از جمله شعار (همان، ۱۳۷۸: ۷۰)، دانش پژوه (همان، ۱۳۷۴: ۶۶) و امامی (همان، ۱۳۸۷: ۷۰)، بیت نامبرده را همانند نفیسی، جزو اشعار رودکی آورده‌اند.

نسخه نامبرده از لغت فرس اسدی، رونوشتی از نسخه اصلی مورخ ۸۷۷ به قلم خود نفیسی است. این نسخه در تصحیح اقبال (از کتاب لغت فرس) استفاده شده است؛ حال آنکه در این تصحیح از وجود لغت و این بیت به نام رودکی در نسخه نامبرده یاد نشده است. مرحوم اقبال در حاشیه آورده است که لغت «بیشار» تنها در نسخه مرقوم به ۷۲۱ و نسخه نخجوانی بوده است و شاهد بیت را نیز که تنها در نسخه نخجوانی (نسخه خطی لغت فرس نخجوانی: ص ۴۴) بوده به نام «لبیبی» نقل کرده است (رک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۲۸).

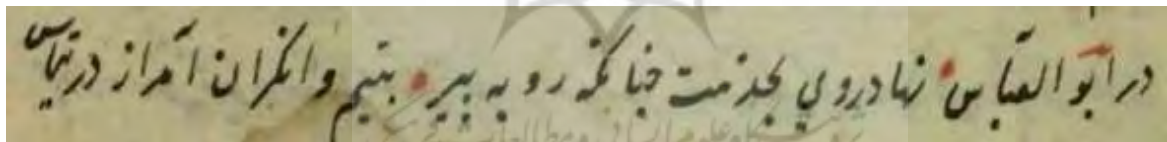
باتوجه به منابع ذکرشده و استناد مشکوک نفیسی، انتساب بیت به لبیبی امکان‌پذیرتر است تا به رودکی. همچنین ضبط «پراشک» به جای «پزشک» در این فرهنگ ضبطی منحصر به فرد به شمار می‌رود و تاکنون در منابع دیگر پیشینه نداشته است.

نهاد روی به خدمت، چنان که روبه پیر تیم و انگران (واتگران) آمد از در تیماس

(حلیمی، نسخه مجلس: برگ ۵۵؛ همان، نسخه ملی: ص ۱۴۱)



نسخه مجلس (برگ ۵۵)



نسخه ملی (ص ۱۴۱)

این بیت در نسخه ملی و مجلس، از لغت حلیمی به استشهاد واژه «تیم» به نام «ابوالعباس» نقل شده است. بیت نامبرده در منابع دیگری که در ادامه بیان می‌شود، به «ابوالعباس» منسوب است: لغت فرس اسدی تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل تیماس) و تصحیح مجتبابی (همان، ۱۳۶۵: ذیل تیماس)، صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل تیماس)، مجمع الفرس (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل تیماس)، فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷: ذیل تیماس)، فرهنگ قطران (فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران، ۱۳۸۰: ذیل تیماس، ح ۵)، عجایب اللغة (ادیبی، نسخه خطی کتابخانه مجلس: ۵۰).

این بیت تنها در دو نسخه از لغت فرس اسدی، نسخه مورخ ۸۷۷ متعلق به نفیسی و نسخه ایاصوفیا که «شبهات و قرابت تام» به نسخه نفیسی دارد، به رودکی منسوب است (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ذیل تیماس).

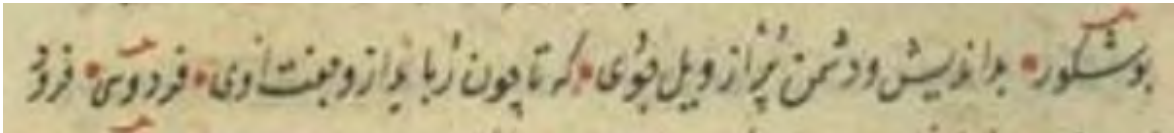
نفیسی نیز در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، با استناد به فرهنگ جهانگیری و نسخه لغت فرس مورخ ۸۷۷، بیت نامبرده را به نام رودکی نقل کرده است (رک: نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۵۳).

به جز صحاح الفرس که بیت را با اختلاف «آید» به جای «آمد» ضبط کرده، این بیت در سایر منابع با اختلاف «حضرت» به جای «خدمت» و «آید» به جای «آمد» ضبط شده است.

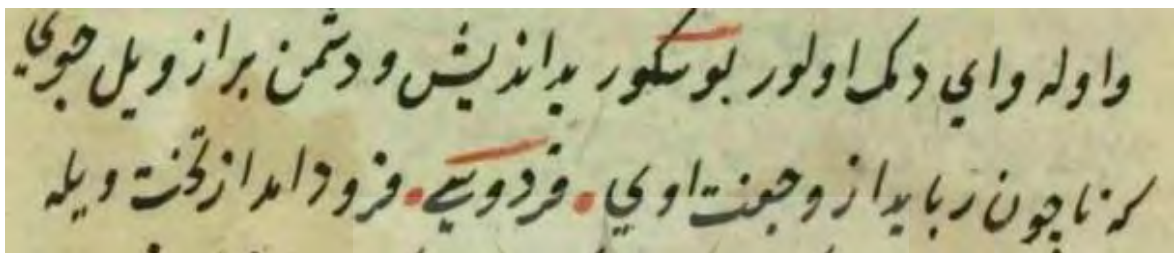
بنابراین با توجه به بسیاری منابع انتساب‌دهنده این بیت به ابوالعباس، انتساب آن به رودکی با تردید جدی همراه است.

بداندیش و دشمن پراز ویل جوی که تا چون رباید ازو جفت اوی

(حلیمی، نسخه مجلس: ۱۸۳؛ همان، نسخه ملی: ص ۴۷۰)



نسخه مجلس (برگ ۱۸۳)



نسخه ملی (ص ۴۷۰)

این بیت در نسخه مجلس و ملی از لغت حلیمی به استشهداؤه «ویل» به نام «بوشکور» آمده است. در منابع دیگری مانند لغت فرس اسدی به تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل ویل) و دبیرسیاکی (همان، ۱۳۳۶: ۱۱۹)، فرهنگ شعوری (شعوری، ۱۱۰۰، ج ۲: برگ ۴۱۷) این بیت به بوشکور منسوب است.

در منابع دیگر از جمله لغت فرس اسدی به تصحیح مجتبیایی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ذیل ویل)، صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ذیل ویل)، مجمع الفرس (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ذیل ویل)، فرهنگ قطران (فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران، ۱۳۸۰: ۳۴۶)، فرهنگ قواس (به نقل از اسدی طوسی، ۱۳۶۵: حاشیه ص ۱۷۴)، این بیت به نام رودکی ضبط شده است. مصحح در حاشیه فرهنگ قطران آورده چنین است: «در حاشیه نسخه خطی «لفع» این شعر به رودکی نسبت داده شده و گفته شده بوشکور آن را به تمامی از رودکی دزدیده» (فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران، ۱۳۸۴: ذیل ویل، ح ۳).

در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، این بیت جزو اشعار رودکی در بخش «اشعار پراکنده مثنوی بحر متقارب» به این صورت نقل شده است:

بداندیش دشمن برو ویل جو که تا چون ستاند ازو چیز او

(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۸۰)

در سایر منابع که ذکر آن گذشت، تنها فرهنگ شعوری بیت را همانند لغت حلیمی ضبط کرده است و در سایر منابع، بیت با اختلاف «بدو ویل جوی»، «از او جفت اوی» ضبط شده است (اسدی طوسی، ۱۳۶۴: ۱۷۴).

نتیجه گیری

از دیرباز یکی از مهم ترین منابع در بازیابی اشعار رودکی، شواهد شعری موجود در فرهنگ های لغت بوده است. فرهنگ

لغت دو زبانه حلیمی موسوم به بحر الغرائب، اثری متعلق به قرن نهم است که حدود ۲۲۰۰ بیت شاهد شعری فارسی را در بر می‌گیرد. و فرصت ارزشمندی را برای کاوش در اشعار رودکی فراهم آورده است. در این پژوهش با بررسی نسخه‌های خطی این فرهنگ و دقت در مجموعه‌هایی که تاکنون از اشعار استاد شاعران ادب فارسی، گردآوری شده است، سه بیت نویافته بر دیوان او افزوده شد؛ افزون بر بحث درباره هشت بیت منسوب به رودکی، گاهی ضبط‌های تازه‌ای نیز در این ابیات بازخوانی شد. امید است با همت پژوهشگران عرصه رودکی‌پژوهی و با ژرف‌نگری در گنجینه‌های پیدا و پنهان زبان فارسی، امکان دست‌یابی به سروده‌های ناب آدم‌الشعرا ادب پارسی بیش‌ازپیش فراهم شود.

منابع

- ۱- ادیبی، عجایب اللغة، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۹۲.
- ۲- اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد (۱۳۱۹). لغت فرس، تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس.
- ۳- ----- (۱۳۳۶). لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۴- ----- (۱۳۶۵). لغت فرس، تصحیح فتح‌الله مجتبابی و علی اشرف صادقی، تهران: خوارزمی.
- ۵- ----- اقل‌السادات عبدالوهاب حسینی، نسخه خطی با تاریخ کتابت ۱۳۱۴ از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۲۱، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۱۵۶۱۱.
- ۶- ----- نسخه خطی متعلق به جلال‌الدین همایی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۰۳۸۸، شماره کتابشناسی ملی ۲۶۸۸۸۰۰.
- ۷- ----- نسخه خطی لغت فرس نخجوانی با عنوان «مشکلات در پارسی دری» به خط عبرت نائینی کتابت‌شده از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۶۶ و کتابت حسام‌الدین حافظ ملقب به نظام تعریف، کتابخانه مجلس، شماره ۵۵۶۹.
- ۸- ----- (۷۲۱ ق). لغت فرس اسدی طوسی (بخشی از سفینه تبریز)، گردآوری ابوالمجد تبریزی، مجلس، شماره ۱۴۵۹۰.
- ۹- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۳۵). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- تتوی، عبدالرشید بن عبدالغفور (۱۳۳۷). فرهنگ رشیدی، به کوشش محمد عباسی، تهران: کتابخانه بارانی.
- ۱۱- جاروتی، ابوالعلاء عبدالؤمن (۱۳۵۶). فرهنگ مجموعه الفرس، به تصحیح عزیزالله جوینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۲- جمال‌الدین انجو، حسین بن حسن (۱۳۵۹). فرهنگ جهانگیری ج ۱ و ۲، به کوشش رحیم عفیفی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۳- چندبهار، لاله تیک (۱۳۸۰). بهار عجم: فرهنگ لغات، ترکیبات، کنایات و امثال فارسی، به تصحیح کاظم دزفولیان، تهران: طلایه.
- ۱۴- حافظ اوهی، سلطان‌علی هروی (۱۳۶۵). تحفه الاحباب، به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی، نصرت‌الزمان ریاضی هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

- ۱۵- حلیمی، لطف‌الله، شرح بحر الغرائب، نسخه خطی کتابخانه مجلس، بدون تاریخ، شماره بازیابی ۸۶۱.
- ۱۶- -----، شرح بحر الغرائب، نسخه خطی کتابخانه ملی، تاریخ ۹۲۹ و ۹۳۰، شماره ثبت ۱۸۱۱۸-۵.
- ۱۷- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۸- ذاکرالحسینی، محسن (۱۳۸۳). «حلیمی و فرهنگ‌هایش»، نامه فرهنگستان، ضمیمه شماره ۱۸، ۵-۳۴.
- ۱۹- میرزایف، عبدالغنی، (۱۹۵۸)، ابو عبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی، تحت نظری. براگینسکی، استالین آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.
- ۲۰- رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد (۱۳۷۴). دیوان، گردآوری شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.
- ۲۱- ----- (۱۳۸۷)، دیوان، گردآوری نصرالله امامی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم.
- ۲۲- ----- (۱۳۷۴). دیوان، گردآوری منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.
- ۲۳- ----- (۱۳۷۸). دیوان، گردآوری جعفر شعار، تهران: قطره.
- ۲۴- ----- (۱۳۸۸). دیوان، گردآوری نادر کریمیان سردشتی، تهران: بنیاد فرهنگی رودکی.
- ۲۵- سروری کاشانی، محمدقاسم بن محمد (۱۳۳۸)، فرهنگ مجمع الفرس، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی علمی.
- ۲۶- شریفی صحی، محسن (۱۳۹۴). «بررسی برخی مجموعه‌های شعری رودکی و دو بیت تازه منسوب به او»، آینه میراث، شماره ۵۷، ۲۳۵-۲۵۶.
- ۲۷- شعوری (۱۱۰۰). فرهنگ شعوری (لسان العجم)، چاپ سنگی، قسطنطنیه.
- ۲۸- فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران (۱۳۸۰). به تصحیح علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن.
- ۲۹- فیضی سرهندی، الله‌داد (۱۳۳۷). مدار الافاضل، به اهتمام دکتر محمد باقر، لاهور: دانشگاه پنجاب.
- ۳۰- قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه (۱۳۵۳). فرهنگ قواس، به تصحیح نذیر احمد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۱- قهرمانی مقبل، علی‌اصغر (۱۳۸۸). «تصحیح شش بیت از رودکی سمرقندی براساس نسخه‌های خطی معیارالاشعار»، معارف، شماره ۶۷، ۱۲۵-۱۳۶.
- ۳۲- محمد پادشاه (شاد) (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- ۳۳- مدبری، محمود (۱۳۷۰). شرح احوال شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری، تهران: پانوس.
- ۳۴- ----- (۱۳۸۷). «ضرورت تجدید نظر در اشعار منسوب به رودکی»، پائر، شماره ۲، ۱۹۹-۲۱۰.
- ۳۵- منجیک ترمذی، علی بن محمد (۱۳۹۱). دیوان منجیک ترمذی، به کوشش احسان شواربی مقدم، تهران: میراث مکتوب.
- ۳۶- منصوری، مجید (۱۳۹۰). «درباره برخی ابیات منتسب به رودکی سمرقندی»، شعرپژوهی، شماره ۹، ۱۵۹-۱۷۴.
- ۳۷- نخجوانی، هندوشاه (۱۳۴۱). صحاح الفرس، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۸- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۳۹- ----- (۱۳۸۲). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران: طهوری.

۴۰- نوشاهی، عارف (۱۳۸۹). «اشعار نویافته رودکی سمرقندی براساس دو متن کهن فارسی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۶۱، ۳۰-۳۲.

۴۱- وفایی، حسین (۱۳۷۴). فرهنگ فارسی (معروف به فرهنگ وفایی)، براساس نسخه های خطی موجود در چین، به تصحیح تین هوی جو، تهران: دانشگاه تهران.

